

نقش اقتدار مرد در آرامش و قوام خانواده

مرضیه یزدانی فر¹

¹ طلبه سطح 2 مدرسه علمیه هاجر خمین

چکیده

مسأله نقش اقتدار مرد در خانواده، در آموزه های اسلامی برآن تاکید شده و امروزه علوم روانشناسی نیز به ضرورت اقتدار مرد در خانواده پی برده اند. زیرا اقتدار مرد سبب آرامش و قوام خانواده می شود. بر همین اساس، این پژوهش در محیط کتابخانه ای با روش توصیفی - تحلیلی با تکیه بر آیات و روایات و تفاوت های بیولوژیکی به لزوم اقتدار مرد در خانواده بپردازد. ابتدا مفهوم اقتدار را روشن می کنیم که چه نوع اقتداری مدنظر اسلام است. سپس ضرورت رهبری برای جامعه ی کوچک خانواده را اثبات کرده و بعد از آن با دلیل و برهان ثابت می کنیم مرد گزینه ی بی بدیل برای رهبری نهاد خانواده است، که ناگزیر برای رهبری بهتر به اقتدار نیاز دارد و هنگامی که این نیروی محرکه توسط اعضای خانواده به آن وارد شود سبب آرامش و قوامیت بیشتر خانواده می شود. در نهایت پیامدهای منفی نبود اقتدار در مرد و تغییر نقش ها می پردازد و راهکارهای اقتدار بخشیدن به مردان را بیان می کند.

کلید واژه ها: نقش، اقتدار، خانواده، آرامش، قوام، راهکار

مقدمه

نهاد خانواده مهمترین بنیان جامعه است که دانشمندان و صاحب نظران علوم مختلف به ویژه رشته ی روانشناسی این اهمیت را انکار ناپذیر دانسته اند. با توجه به این اهمیت یکی از ابعاد مهم در این نهاد بنیادین را نقش هایی که افراد این جامعه کوچک بر عهده دارند، دانسته اند؛ مهمترین نقش در این جامعه را مرد خانواده بر عهده دارد که نقش رهبری و مدیریت این جامعه را دارا است.

دین اسلام که که بزرگترین کارخانه ی انسان سازی است در این خصوص در قرآن کریم به دلیل جایگاه رفیع خانواده، آیات مختلفی را پیرامون این مسأله ذکر کرده است. با توجه به تفاسیر و روایاتی که ذیل

این آیات آمده است، می‌توان به مفهوم اقتدار مرد در خانواده رسید. اقتدار مرد است که باعث قوام و آرامش در خانواده می‌شود.

البته باید به این نکته توجه شایان کرد که اقتدار به معنای ظلم و تضییع حق دیگر افراد خانواده مدنظر اسلام نبوده و نیست، بلکه اقتداری از آن سخن رفته است که با حفظ کامل احترام ارکان دیگر خانواده، باعث حفظ شیرازه زندگی و تمامیت خانواده شود و بتواند پیوند خانواده با مسائل بیرونی آن را مدیریت کند.

آنچه در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود نقش اقتدار مرد در آرامش و قوام خانواده است که امروزه شاهد فروپاشی نهاد خانواده ها هستیم که بخشی از این آسیب ناشی از تضعیف قدرت مردان در نقش مردانگی خود است. این باور غلط تا حد زیادی نشأت گرفته از جهان غرب و دیدگاه فمینیستی است. شواهد گواه این فروپاشی خانواده‌های غربی است. امروزه اگر از این تفکر در میان افراد جامعه‌ی کشور خودمان جلوگیری نشود چه بسا که شاهد این فاجعه در کشور خود نیز باشیم و با افزایش روزافزون این مسئله چه بسا که از کشورهای غربی جلو نزنیم.

این مقاله در محیط کتابخانه‌ای با روش توصیفی-تحلیلی در نظر دارد با توجه به آیات و روایات و سیره اهل بیت و روانشناسی اسلامی به این پرسش اصلی که نقش اقتدار مرد در آرامش و قوام خانواده چیست؟ بپردازد.

1- مفهوم اقتدار چیست؟

2- ضرورت اقتدار مرد در خانواده از چه اهمیتی برخوردار است؟

3- اقتدار مرد چگونه می‌تواند تامین کننده سعادت خانواده باشد؟

4- نقش اقتدار مرد در آرامش خانواده چیست؟

5- نقش اقتدار مرد در قوام خانواده چیست؟

6- تضعیف نقش اقتدار مرد چه پیامدهایی در خانواد دارد؟

7- راهکارهای اقتدار بخشیدن به مردان چیست؟

پژوهش‌هایی مرتبط با این موضوع انجام شده است از جمله مقاله‌ی تحلیل لزوم سرپرستی مرد بر نهاد خانواده از منظر اسلام و روان شناسی با توجه به کارکردهای خانواده در اسلام نوشته‌ی آقای علیرضا شیرزاد که در این مقاله با هدف تبیین ضرورت وجود مدیر در خانواده و انتخاب مرد به عنوان مدیر در آن پرداخته شده است.

مقاله‌ای دیگر با موضوع مفهوم شناسی اقتدار مرد در خانواده با رویکرد اسلامی نوشته‌ی روح‌الله ملکی و جعفر جدیری که با ساخت آزمون اولیه که در آن با هدف مفهوم شناسی اقتدار مرد در خانواده پرداخته و بوسیله جامعه آماری هشت مولفه برای اقتدار مرد را شناسایی کرده است. اما مقاله پیش رو در نظر

دارد که ابتدا مفهوم شناسی اقتدار مرد و نقشی که مرد در قوام و آرامش خانواده دارد، بپردازد و سپس برای رسیدن به خانواده‌ای آرمانی و مسعود راهکار اقتدار بخشیدن به مرد را ارائه دهد.

مفهوم شناسی خانواده

در لغت نامه دهخدا مفهوم خانواده به این مضمون آمده: ۱. کوچکترین واحد اجتماعی که شامل پدر، مادر، و فرزندان آن‌ها است. ۲. (زیست‌شناسی) تیره. ۳. خاندان؛ دودمان؛ فامیل^۱.

گروهی از محققان علوم اجتماعی، خانواده را به «گروهی از افراد که روابط آنان با یکدیگر بر اساس همخونی شکل می‌گیرد و نسبت به هم خویشاوند محسوب میشوند»؛ تعریف می‌کنند. گروهی دیگر خانواده را اینگونه تعریف کرده‌اند: «گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، همخونی یا پذیرش، با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل اند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند»^۲.

برخی دیگر از جامعه‌شناسان، خانواده را واحدی اجتماعی می‌دانند که از پیوند مشروع مرد و زنی به وجود می‌آید و فرزندان پدید آمده از این پیوند آن را تکمیل می‌کند. در تعریف دیگری گفته‌اند خانواده شامل مجموعه‌های از افراد است که با هدف و اندیشه وصول به منافع مشترک، زیر سقفی قرار می‌گیرند و سرگرم زندگی هستند.

به اعتقاد برخی نیز واژه خانواده به تدریج بازتعریف شده تا هر جمعی را که باهم زندگی می‌کنند در برگیرد.^۳

مفهوم شناسی اقتدار

اقتدار مفهومی چند وجهی و پیچیده است که در حوزه‌های مختلفی از جمله فلسفه، جامعه‌شناسی، سیاست و روانشناسی مورد مطالعه قرار گرفته است. به طور کلی، اقتدار به توانایی فرد یا گروهی در تأثیرگذاری بر رفتار و باورهای دیگران، بدون استفاده از زور فیزیکی، اطلاق می‌شود. این تأثیرگذاری می‌تواند بر اساس عوامل مختلفی از جمله موقعیت اجتماعی، دانش، مهارت، شخصیت، ارزش‌ها و باورها صورت گیرد. اقتدار را می‌توان از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار داد:

اقتدار مشروع و نامشروع: اقتدار مشروع، اقتداری است که بر اساس توافق اجتماعی و قانونی پذیرفته شده باشد. به عنوان مثال، اقتدار یک رئیس جمهور منتخب، اقتداری مشروع محسوب می‌شود. در مقابل، اقتدار نامشروع، اقتداری است که بر اساس زور، تهدید یا فریب اعمال می‌شود.

^۱ لغت نامه دهخدا.

^۲ ساروخانی، ۱۳۷۰.

^۳ Edwards & Demo, 1991, p.107.

اقتدار سنتی، کارزماتیک و قانونی: اقتدار سنتی بر اساس عادات، رسوم و باورهای دیرینه استوار است (مانند اقتدار پادشاهان). اقتدار کارزماتیک بر اساس ویژگی‌های شخصیتی خاص فرد رهبر است (مانند اقتدار ناپلئون). اقتدار قانونی بر اساس قوانین و مقررات رسمی است (مانند اقتدار قضات).¹

اقتدار نرم و سخت: اقتدار نرم، اقتداری است که بر اساس نفوذ، اقناع و تشویق اعمال می‌شود. اقتدار سخت، اقتداری است که بر اساس تهدید، مجازات و اجبار اعمال می‌شود.

اقتدار را می‌توان بر اساس حوزه‌های مختلف زندگی و روابط اجتماعی به انواع مختلفی تقسیم کرد:

- 1- **اقتدار سیاسی:** توانایی دولت‌ها و نهادهای سیاسی در اعمال حاکمیت و ایجاد نظم اجتماعی.
- 2- **اقتدار اجتماعی:** توانایی افراد یا گروه‌های اجتماعی در تأثیرگذاری بر رفتار و باورهای دیگران در یک جامعه.
- 3- **اقتدار اقتصادی:** توانایی افراد یا سازمان‌ها در کنترل منابع اقتصادی و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی.

4- **اقتدار فرهنگی:** توانایی ارزش‌ها، باورها و هنجارهای فرهنگی در شکل‌دهی به رفتار افراد.

5- **اقتدار علمی:** توانایی دانش و تخصص در تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها.

عوامل مؤثر بر اقتدار، عوامل مختلفی بر میزان و نوع اقتدار افراد یا گروه‌ها تأثیرگذارند، همچون:

- 1- **شخصیت:** ویژگی‌های شخصیتی مانند اعتماد به نفس، هوش، charisma و توانایی سخنوری.
- 2- **موقعیت اجتماعی:** جایگاه فرد یا گروه در ساختار اجتماعی و دسترسی به منابع.
- 3- **دانش و مهارت:** تخصص و دانش در حوزه‌های مختلف ارزش‌ها و باورها همخوانی ارزش‌ها و باورهای فرد با ارزش‌های گروه یا جامعه.
- 4- **منابع قدرت:** دسترسی به منابع مادی، اجتماعی و سیاسی.

مفهوم اقتدار از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا به ما کمک می‌کند تا پدیده‌های اجتماعی مانند رهبری، قدرت، نفوذ و کنترل را بهتر درک کنیم. به ما امکان می‌دهد تا روابط بین افراد و گروه‌ها را تحلیل کنیم. به ما کمک می‌کند تا مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را بهتر درک کنیم. به ما امکان می‌دهد تا در تصمیم‌گیری‌های فردی و جمعی بهتر عمل کنیم. در کل، اقتدار یک مفهوم پیچیده و چندوجهی است که درک آن برای تحلیل و تفسیر پدیده‌های اجتماعی ضروری است.

1- ضرورت اقتدار مرد در خانواده

¹ مارک وبر

مردها سازگارتر باشد. اگر در خانواده‌ای این ترتیب طبیعی معکوس شود، اولین کسی که از این نظام جدید به تنگ می‌آید و ضربه می‌خورد، اتفاقاً زن خانواده است. زیرا به گفته اکثر روانشناسان زن‌ها علاقه‌مندند، تحت نظر شخص دیگری کار کنند و از مرئوس بودن بیشتر خوششان می‌آید. برای زن پذیرفتن مسئولیت، دشوار است و ذهنش را به شدت درگیر می‌کند. تبعات ناشی از نتیجه تصمیمات، بر روان زن اثرات منفی می‌گذارد. به خاطر همه این دلایل، آرامش زن و آرامش خانواده در این است که زن‌ها تصمیم نهایی و مدیریت زندگی را به مرد واگذار کرده و خودشان معاون و مشاور او باشند و بدیهی است که از ضروریات واگذاری مسئولیت، اطاعت است چون لازمه موفقیت در هر برنامه‌ای این است که تصمیم نهایی را یک فرد بگیرد و سایرین حتی با وجود اختلاف نظر، بعد از قطعی شدن تصمیم مطیع او باشند. اگر این طور نباشد، هیچ تلاشی به ثمر نخواهد رسید و تشتت آرا همه را از پیشرفت باز می‌دارد. به همین خاطر اگر زن از شوهرش حرف‌شنوی نداشته باشد و به عبارت دیگر مطیع او نباشد، به بنیاد خانواده لطمه سنگینی می‌خورد و اقتدار مرد در هم می‌شکند. از نتیجه‌های شیرین اطاعت افزایش محبوبیت زن در دل همسرش، اطاعت متقابل، آرامش در روح و روان زن و مرد و محیط خانه و همین‌طور تقویت روحیه حمایت در مرد است، چیزی که از نیازهای اصلی عاطفی زنان است.

-تمرین: اگر شوهرتان از شما درخواستی دارد می‌توانید خیلی زیبا پاسخ بدهید «به روی چشم» یا اگر درباره موضوعی نظر نهایی‌اش را ابراز می‌کند بگویید: «هر چی تو بگی». این عبارت و امثال آن به هیچ وجه تملق یا مبالغه نیست فقط این حس خوب را به همسران منتقل می‌کند که مسئولیت خانواده‌ای را بر عهده دارد که اعضایش مطیع او هستند و سبب می‌شود برای گرفتن تصمیمات درست‌تر و جلب رضایت این اعضا تلاش بیشتری بکند. اگر در موضوعی با شوهرتان اختلاف نظر دارید آن را به گونه‌ای خوب و دلنشین مطرح کنید و بخواهید بیشتر درباره‌اش فکر کند. اما اگر نپذیرفت و سر حرفش ماند، دیگر پافشاری نکنید. بلکه بدون چون و چرا با خوش‌رویی بپذیرید و مطمئن باشید به خاطر این شوهرداری زیبا، خداوند خیر شما را در همان راه قرار می‌دهد.

6-قدردانی: همه انسان‌ها نیاز دارند در مقابل خدماتی که ارائه می‌دهند از آن‌ها قدردانی شود، اما در این زمینه مردان بسیار آسیب‌پذیرتر از زنان هستند. اگر تلاش‌های مرد نادیده گرفته شود، او احساس و انگیزه خود را از دست داده و حالت انفعالی پیدا می‌کند. ضعیف و وابسته شده و از انجام هر کاری سر باز می‌زند. در حالی که اگر زنی از مردش قدردانی کند، او از این عمل انرژی مضاعفی گرفته و توانایی‌هایش افزایش می‌یابد. همچنین برای تغییر در جهت مثبت نیرو پیدا می‌کند. او می‌خواهد تمام مشکلات را از میان بردارد تا لبخند رضایت هم چنان بر لبان همسرش بدرخشد.

-تمرین: سعی کنید میزان قدردانی‌هایتان را چند برابر کنید. برای هر کار کوچکی از شوهرتان تشکر کنید؛ برای کمک در پهن کردن سفره، برای نگهداری از بچه، برای پرسیدن احوال مادران، برای خریدهای روزانه، برای سر وقت آمدن و ... حتی برای چیزهای عادی که هر روز اتفاق می‌افتد و بخشی از وظایفش است؛ این که مایحتاج خانه را فراهم می‌کند، اینکه مراقب شماست، اینکه مسئولیت‌های زندگی بر عهده اوست، اینکه سر کار می‌رود و حتی برای بودنش از او تشکر کنید!

همسران باید اقتدار و غرور مرد را بالا ببرند، زن باید به گونه‌ای به مرد محبت کند که اقتدار و غرور مرد را بالا ببرد که در نتیجه آن، مرد احساس کند قهرمان زندگی است. برای همسران، همسر باشید نه مادر. زن و مرد نباید مربی و معلم باشند؛ بلکه زن علاوه بر این که وظایف خانه را انجام می‌دهد باید برای همسرش جذاب هم باشد.

محبت زن و مرد با یکدیگر متفاوت است، خانم‌ها باید متوجه بشوند که مردها آن‌ها را دوست دارند و مرد باید با زبان و رفتار محبت خود را به همسر نشان بدهد.

مرد باید به گونه‌ای به زن محبت کند که زن متوجه شود، ناز او خریدار دارد و زن نیز باید به گونه‌ای به مرد محبت کند که اقتدار و غرور مرد را بالا ببرد، به گونه‌ای که مرد احساس کند قهرمان زندگی است. اگر هم می‌خواهید عیبی از همسر خود برطرف کنید، باید زیرکانه این کار را انجام دهید، نه این که زیر دل او را خالی کنید و او را حساس کنید برخی خانم‌ها به جای این که جملات مثبت به کار ببرند، از منفی به مثبت می‌رسند. زن تمام زندگی‌اش را پای همسرش می‌گذارد، اما اگر می‌خواهید مرد خود را جادو کنید، به او بگویید به تو افتخار می‌کنم، بگویید من در کنار تو احساس آرامش می‌کنم. مرد خود را تأیید، تقدیر و تحسین کنید، خانم‌ها نیز نیاز به تحسین و تشکر دارند و بانوان باید به این نکته دقت کند که هیچ‌گاه مرد خود را تحقیر نکنند؛ چرا که جان مرد به شخصیتش بستگی دارد و اگر شخصیت او را خرد کنید، یعنی زندگی را از او گرفته‌اید. غرور شوهر اگر بشکند، دیگر نمی‌شود تکه‌های شکسته را به هم چسباند و دیگر آن خانواده، خانواده نمی‌شود. شکستن غرور شوهر یعنی پایان یک رابطه عاشقانه و رویایی که همیشه انتظارش را می‌کشیدید. به همین دلیل در این مورد باید خیلی مراقب بود. قهر کردن زن، توهین و تحقیر مرد، تهدید و مقایسه او با مردان دیگر، بی‌حرمتی و نگه‌داشتن احترام شوهر در جمع و جلوی فرزندان شخصیت او را کاملاً زیر سوال می‌برد.

نتیجه:

در این پژوهش، نقش حیاتی اقتدار مرد در خانواده از دیدگاه آموزه‌های اسلامی و علوم روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که اقتدار مرد، هنگامی که به صورت مطلوب و سالم از آن استفاده شود، می‌تواند به عنوان عاملی جهت تامین آرامش و استحکام خانواده عمل کند.

بررسی آیات و روایات اسلامی نشان می‌دهد که اقتداری که مورد نظر اسلام است، مستلزم مسئولیت‌پذیری و رعایت عدالت است، نه سلطه‌گری و استبداد. به علاوه، یافته‌های روانشناسی نیز بر نقش حمایتی اقتدار سالم در ایجاد محیطی پایدار و دلپذیر در خانواده تاکید دارند.

تحلیل تفاوت‌های بیولوژیکی و اجتماعی نیز نشان داد که مردان در برخی جهات طبیعی و اجتماعی برای ایفا کردن نقش رهبری در خانواده بهتر آماده‌اند، هرچند تاکید شد که این نقش نیازمند تعامل و همکاری متقابل با دیگر اعضای خانواده، به ویژه همسر است.

در نهایت، مشخص شد که عدم وجود اقتدار سالم در مرد و تغییر نقش‌ها می‌تواند منجر به بروز مشکلاتی در ساختار خانواده شود. بنابراین، ضروری است با ارائه راهکارهایی از جمله آموزش و ترویج الگوهای مثبت، به تقویت اقتدار سالم در مردان کمک کرد تا نهاد خانواده به شکلی پویا و مستحکم عمل کند.

منابع

قرآن کریم.

1. آذربایجانی، مسعود و همکاران، «روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی»، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، 1382.
2. آل رسول، سوسن و طیبیه محمدخانی، «اصول مؤثر در روابط صمیمانه همسران با الگوبرداری از اسوه‌های قرآنی و همسرانی بهشتی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره 52، 1390، صص 147 - 184.
3. ابن سینا، حسین ابن عبدالله، «تدابیر المنازل او السياسات الاهلیه»، مطبعه الفلاح، بغداد، 1347ق.
4. برگ، اتوکلاین، «روانشناسی اجتماعی»، ترجمه علی محمد کاردان، اندیشه، تهران، 1372.
5. بستان، حسین، «اسلام و تفاوت‌های جنسیتی در نهادهای اجتماعی»، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، 1391.
6. بستان، حسین، «کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم»، حوزه و دانشگاه، شماره 35، 1389، صص 4-34.
7. پسندیده، عباس، «رضایت از زندگی»، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، قم، 1391.
8. پناهی، علی احمد و مسعود آذربایجانی، «مبانی نظری نقش مدیریتی مرد در خانواده با رویکرد روانشناختی»، دوفصلنامه مطالعات اسلامی و روانشناسی، شماره 12، 1392، صص 149-168.
9. جان بزرگی، مسعود و دیگران، «آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری به کودکان»، ارجمند، تهران، 1390.
10. جمعی از نویسندگان، «گهواره را چه کسی تکان خواهد داد»، دفتر نشر معارف، ترجمه سمانه مدنی، قم، 1389.
11. جوادی آملی، عبدالله، «تفسیر نمونه: اسراء»، 1389.
12. جوادی آملی، عبدالله، «زن در آینه جلال و جمال»، مرکز نشر اسراء، قم، 1395.

13. جوادى آملی، عبدالله، «معرفت‌شناسی در قرآن»، نشر اسراء، قم، 1379.
14. جی، هی لی، «روان‌درمانی خانواده»، ترجمه باقر ثنائی، امیرکبیر، تهران، 1375.
15. حرانی، ابن شعبه، «تحف العقول»، جامعه مدرسین، چاپ دوم، قم، 1404ق.
16. حر عاملی، محمد بن حسن، «وسائل‌الشیعه»، مؤسسه آل‌البیت، قم، 1409ق.
17. دهخدا، علی‌اکبر، «لغت‌نامه دهخدا»، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، تهران، 1377.
18. رشیدپور، مجید، «عوامل استحکام خانواده»، انجمن اولیاء و مربیان، تهران، 1388.
19. رودز، استون ای، «تفاوت‌های جنسیتی را جدی بگیریم»، ترجمه معصومه محمدی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، 1392.
20. زارعی توپخانه، محمد، «بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده از منظر متون اسلامی در مقایسه با نظریه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی»، ماهنامه معرفت، شماره 186، 1392، صص 99-113.
21. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، «هویت و نقش‌های جنسیتی»، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تهران، 1394.
22. ساروخانی، باقر، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده»، انتشارات سروش، تهران، 1370.
23. سالاری فر، محمدرضا، «خانواده در اسلام و روان‌شناسی»، سمت، تهران، 1385.
24. سعیدیان، فاطمه، «بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران، 1382.
25. طباطبایی، سید محمدحسین، «المیزان»، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1380.
26. طبرسی، حسن بن فضل، «مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن»، ناصر خسرو، تهران، 1372.
27. طبرسی، حسن بن فضل، «مکارم‌الاخلاق»، ترجمه لطیف راشدی، صبح پیروزی، قم، 1390.
28. طریحی، فخرالدین بن محمد، «مجمع‌البحرین»، مرتضویه، تهران، 1375.
29. طوسی، محمد بن حسن، «الخلاف»، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1407.
30. علاسوند، فریبا، «زن در اسلام»، مرکز نشر هاجر، قم، 1397.
31. کریمی، حمید، «زن و مرد، تشابه، تساوی یا تناسب؟»، مرکز نشر هاجر، قم، 1391.
32. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1407.
33. گاردنر، ویلیام، «جنگ علیه خانواده»، ترجمه معصومه محمدی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم، 1387.
34. مالک‌بن‌انس، «الموطأ»، صححه محمدفؤاد عبدالباقی، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
35. مجلسی، محمد تقی، «بحارالانوار»، مؤسسه الوفا، بیروت، 1404.
36. مصباح، محمدتقی، «اخلاق در قرآن»، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی قدس‌سره، قم، 1386.
37. مصطفوی، سیدجواد، «بهشت خانواده»، دارالفکر، قم، 1387.

38. مطهری، مرتضی، «مجموعه آثار»، چاپ نهم، صدرا، تهران، 1379.
39. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1371.
40. مینتز، استیون و کلوگ، سوزان، «مقاله جایگاه خانواده در غرب»، ترجمه و تلخیص مرتضی مداحی، مجله معرفت، شماره 116، 1896.
41. مینوچین، سالوادور، «خانواده و خانواده‌درمانی»، ترجمه باقر ثنائی، امیرکبیر، تهران، 1395.
42. نصیری، علی، «مدیریت خانواده در اسلام»، پژوهش‌نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، شماره 1، 1392، صص 13-27.
43. نعمتی پیرعلینیا، دل‌آرا؛ کاردوانی، راحله؛ وکیلی، مهدی، «ملازمه تکالیف زوجین و اخلاق‌مداری در خانواده در منابع اسلامی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره 54، 1390، صص 211-256.
44. وبر، ماکس، «اقتصاد و جامعه»، ویرایش شده توسط گونتر راس، انتشارات دانشگاه کالیفرنیا، نیویورک، 1978.
45. یازی، سیدمحمدعلی و محمد ناصحی، «بررسی ساختار توزیع قدرت در رابطه زن - شوهر در خانواده از نگاه آیات و روایات»، پژوهش زنان، شماره 2، پاییز 1389، صص 113-132.